

نقدی بر ترجمه کتاب بازنگری در مفهوم نابرابری آمارتیا سن

وحید محمودی*

محمد تیو**

چکیده

کتاب بازنگری در مفهوم نابرابری (*Inequality Reexamined*) یکی از آثار آمارتیا سن است که در سال ۱۹۹۲ منتشر شد. در این کتاب، سن با ارزیابی رویکردهای مختلف نسبت به نابرابری، به تبیین این مقوله در قالب رویکرد قابلیت محور می‌پردازد و برابری واقعی فرصت‌ها را تنها از طریق برابری قابلیت‌ها (یا حذف نابرابری‌های آشکار در قابلیت‌ها) امکان‌پذیر می‌داند. سن در این کتاب بر این باور است که «نابرابری» موضوع محوری در تمامی رویکردها و نظریه‌های اجتماعی است، لذا می‌بایستی به‌جای مطرح کردن سؤال «چرا برابری؟»، سؤال «برابری در چه حوزه‌ای؟» در دستورکار قرار گیرد. این کتاب را مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با ترجمه پرویز قاسمی و آریتا گل‌زاده قشلاق‌چایی در سال ۱۳۹۴ به چاپ رساند که در چند صفحه آنتی به نقد ترجمه صورت گرفته پرداخته می‌شود. بر مبنای این نقد، هرچند ترجمه صورت گرفته روایی نوشتاری مناسبی دارد، اما از منظر چگونگی ترجمه، با اشکالات بسیاری دست‌به‌گریبان است؛ لذا از لحاظ انتقال معنی از یک سو و نوع تأثیر متن از سوی دیگر، موفق عمل نکرده است.

کلیدواژه‌ها: رویکرد قابلیت، عاملیت، قابلیت‌ها، کارکردها، نابرابری، نقد ترجمه.

* استاد گروه مدیریت مالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، vmahmodi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری مدیریت توسعه، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، mohammadtive@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

۱. مقدمه

بازنگری در مفهوم نابرابری عنوان کتابی است که سن در سال ۱۹۹۲، به دنبال انتشار کتاب *نابرابری اقتصادی (On Economic Inequality)*، که برای نخستین بار خود او در سال ۱۹۷۳ منتشر کرد و در سال ۱۹۹۷ بسط داد، منتشر شد و در آن نگاهی دگراندیشانه به مقوله نابرابری می‌اندازد. از این رو، گزاره نخواهد بود اگر بیان شود که برخی از مهم‌ترین تفکرات سن در این کتاب مطرح شده است.

سن در این کتاب بر این باور است که تفاوت بین تمامی رویکردهای اخلاقی معاصر در زمینه مناسبات اجتماعی در این خصوص نیست که آیا آن‌ها خواستار برابری هستند یا خیر، بلکه تفاوت آن‌ها در حوزه‌های مختلفی است که هر یک برابری را در آن خواستارند. به عبارتی دیگر، فصل مشترک در تمامی رویکردها مقوله «برابری» است و نقطه تمییز بین آن‌ها حوزه‌ای است که برابری را در آن طالب هستند. در همین راستا، هر مدعایی در خصوص برابری بایستی تنوع در انسان‌ها و خصوصیاتشان را مدنظر قرار دهد. در همین رابطه او دو سؤال مطرح در تحلیل‌های اخلاقی شامل «چرا برابری؟» و «برابری در چه حوزه‌ای؟» را مورد توجه قرار می‌دهد و مطرح می‌کند که حصول مشروعیت اخلاقی برای یک نظریه اخلاقی و اجتماعی دست‌نیافتنی است، مگر آن‌که در آن نظریه برای هر انسانی برابری در حوزه‌ای (یا متغیری) مفروض گرفته شود. از همین رو است که سؤال «چرا برابری؟» (why equality?) موضوع محوری در تمایز بین نظریات نیست، زیرا تمامی آن‌ها برابری‌خواهانه در محدوده یک حوزه یا متغیری خاص هستند، بلکه آن‌چه مهم است سؤال «برابری در چه حوزه‌ای؟» (equality of what) است. در همین راستاست که نظریات و رویکردهای مختلف با توجه به رویکردهای مفهومی متنوع خود، پاسخ‌های مختلفی به سؤال «برابری در چه حوزه‌ای؟» ارائه می‌کنند. دلیل این امر نیز تنوعی است که بین ابنای بشر وجود دارد که برابری در یک حوزه را با برابری در حوزه دیگر متفاوت می‌سازد.

در همین راستا، به باور سن، یکی از جنبه‌های ارزیابی نابرابری، که مورد اقبال کم‌تری قرار گرفته و بایستی مورد توجه قرار گیرد، تمایز بین دستاورد و آزادی است. این بدان معناست که موقعیت یک فرد در مناسبات اجتماعی را می‌توان از دو چشم‌انداز مورد قضاوت قرار داد: ۱. «دستاوردهای واقعی» که اموری هستند که ما در نیل به آن‌ها موفق بوده‌ایم؛ ۲. «آزادی برای دست‌یافتن» (freedom to achieve) که فرصت‌های واقعی هستند برای تحقق آن‌چه برای ما ارزشمند است.

سن در دفاع از «آزادی برای دست یافتن»، قابلیت‌های یک فرد برای دست یافتن به کارکردهایی که او برای آنها ارزش قائل است را به‌عنوان حوزه‌ای برای ارزش‌یابی مناسبات اجتماعی و ارزیابی برابری و نابرابری معرفی می‌کند. این کارکردها می‌توانند طیفی از مسائل بسیار ابتدایی هم‌چون داشتن تغذیه مناسب و امکان تحصیل کردن تا دستاوردهای بسیار پیچیده هم‌چون عزت نفس و توانایی مشارکت در زندگی اجتماعی را در بر گیرد. به ظن سن، زندگی شامل مجموعه‌ای از کارکردهای متقابلاً مرتبط شامل «بودن‌ها و انجام‌ها» (beings and doings) است. لذا دستاورد یک فرد بردار کارکردهای او است. بهروزی یک فرد وابسته به ماهیت موجودیت او یا کارکردهای نائل شده است. در همین راستا، قابلیت برای کارکرد داشتن است. قابلیت‌ها مجموعه‌ای از بردارهای کارکردهای مختلف‌اند که منعکس‌کننده آزادی فرد برای درپیش گرفتن نوعی از زندگی یا دیگری است. به‌عبارت‌دیگر، اگر کارکردهای دست‌یافته تشکیل‌دهنده بهروزی فرد هستند، قابلیت در دست‌یابی به کارکردها سازنده آزادی فرد یا فرصت واقعی برای داشتن بهروزی هستند. زیرا حصول بهروزی از فرایندی که در آن به کارکردهای مختلف دست می‌یابیم و نیز از نقشی که تصمیم‌های ما ایفا می‌کنند مستقل نیست. به همین علت، اولویت در رویکرد قابلیت‌محور تعیین اهداف ارزشی است و قالب فضای ارزش‌یابی کارکردها و قابلیت‌ها هستند. این انتخاب و وزن‌دهی به کارکردهای مختلف است که ارزیابی قابلیت‌ها را در راستای دست‌یافتن به دسته‌های کارکرد (functioning bundles) بدیل امکان‌پذیر می‌سازد. ازسویی دیگر، یک فرد هم‌چنین می‌تواند دارای اهداف و ارزش‌هایی غیر از بهروزی خودش باشد. از همین روست که او در مقالات دوی (Dewey Lectures) خود، بین «جنبه نمایندگی» و «جنبه بهروزی» تمایز قائل می‌شود و «دستاورد عاملیت» (agency achievement) یک فرد را توفیق فرد در پی‌گیری مجموع اهداف و آرمان‌هایی می‌داند که او برای پی‌گیری آنها دلیل دارد، فارغ از آن‌که آن اهداف به بهروزی فرد می‌انجامند یا خیر. بدین ترتیب، تفاوت بین آزادی عاملیت و آزادی بهروزی در آن است که آزادی عاملیت به معنای آزادی برای تحقق دستاوردهایی است که فرد برای آنها ارزش قائل است و سعی می‌کند آنها را تحقق دهد و آزادی بهروزی به آزادی در نیل به چیزهایی ارجاع دارد که سازنده بهروزی فرد هستند. به‌عبارت‌دیگر، آزادی بهروزی به موضوع قابلیت‌ها برمی‌گردد درحالی‌که آزادی عاملیت را بایستی از منظری گسترده‌تر نگریست که شامل موضوعات مرتبط با اهداف نمایندگی است. در توفیق در عاملیت، موضوع تلاش فرد در نیل به اهداف مطرح است.

باتوجه به مطالب ذکرشده، کتاب *بازنگری در مفهوم نابرابری* را می‌توان کتابی دانست که در آن آمارتیا سن ضمن آن‌که از زاویه دیگری به مقوله نابرابری می‌نگرد، اهم نظریات خود را نیز در آن بیان می‌کند. این کتاب، که ترکیبی از تفکرات فلسفی و نظریات اقتصادی است، در سال ۱۳۹۴، از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به‌همت مترجمان پرویز قاسمی و آریتا گل‌زاده قشلاق‌چایی در ۱۸۱ صفحه به‌چاپ رسیده است که در چند صفحه آتی به نقد ترجمه صورت‌گرفته پرداخته می‌شود.

۲. ادبیات موضوعه در خصوص ترجمه و نقد آن

ترجمه خوب عبارت است از نزدیک‌ترین معادل در زبان مترجم برای مطلب موردترجمه با حفظ مشخصات متن اصلی تا آن‌جاکه ظرفیت زبان اول ایجاب کند و عجیب و دور از ذهن ننماید (صفارزاده ۱۳۸۴: ۲۴). برای دست‌یافتن به یک ترجمه خوب و مقبول باید با قواعد آن آشنا بود. اصول و قواعد ترجمه در واقع زیر بناهای اساسی ترجمه هستند که باید همواره در ترجمه به آن توجه کرد. نیو مارک معتقد است: «ترجمه مکتوب تلاشی برای جای‌گزین کردن جمله‌ای یا پیامی نوشتاری در یک زبان با پیام نوشتاری یا جمله‌ای در زبان دیگر» (کامبیززاده ۱۳۸۸: ۵۸).

در همین رابطه، لطفی‌پور ساعدی (۱۳۷۱) از قول کت فورد (۱۹۶۵) چنین تعریف می‌کند:

وظیفه اصلی مترجم عبارت است از فراهم‌آوردن شرایط و مهیاکردن زمینه‌ای که در آن نویسنده متن اصلی و خواننده زبان مقصد بتوانند با یک‌دیگر به تعامل و تأثیر متقابل بپردازند و چنین شرایط و زمینه‌ای موقعی مهیا می‌شود که متن زبان مقصد از نظر ارزش ارتباطی با متن زبان مبدأ معادل و یکسان باشد (انوشیروانی ۱۳۸۴).

باوجوداین، هر مترجمی ممکن است هنگام ترجمه خطاهایی در درک مطلب زبان اصلی داشته باشد و به ارائه ترجمه نادقیق یا حتی نادرست منجر شود. همین امر است که نقد ترجمه (translation criticism) را به یک میان‌رشته دانشگاهی تبدیل کرده است که بسیار نزدیک به نقد ادبی و مطالعات ترجمه است.

واژه «نقد» از جمله اصطلاحات ادبی است که از دیرباز میان مردم رایج بوده است. نقد ترجمه یعنی با نگاهی جامع به ابعاد گوناگون ترجمه نگرستن. در ارزش و اعتبار نقد ترجمه نباید هیچ‌گونه تردیدی به دل راه داد؛ نقد ترجمه اگر بدون غرض و کینه و باتوجه‌به

اصول و چهارچوب‌های درست آن به درستی انجام گیرد و مبتنی بر علم و آگاهی باشد، موجب تحولی شگرف و پیشرفتی چشم‌گیر می‌شود؛ البته برخی بر این نظرند که نقد «اظهار ما به من العیب = عیب و اشکال موجود را بیان کردن» است در صورتی که در نقد باید به ویژگی‌های مثبت و منفی ترجمه پرداخته شود. یکی از هدف‌های نقد ترجمه این است که جامعه متوجه این موضوع شود که مترجمی کاری دشوار و سخت است و باید نشان داده شود که آیا مترجم به اهداف خود رسیده است یا نه؟ طبیعی است که منتقد بهترین گزینه برای بررسی، نقد، و نظریه‌پردازی در زمینه ترجمه‌هاست (تقیه ۱۳۸۴).

محمدجواد کمالی (۱۳۹۵)، مؤلف کتاب *اصول فن ترجمه*، در این خصوص به نکته مهمی اشاره می‌کند:

منتقد ترجمه نباید در مقابله آثار دچار وسواس شود و دائم به دنبال ایرادگیری باشد، بلکه باید بکوشد با تجزیه و تحلیل درست و منطقی، معیارها و اصول رعایت‌شده در هر ترجمه را مشخص کند و در واقع نقش سخن‌گوی مترجم را ایفا کند؛ زیرا مترجم در حین کار ترجمه و پس از آن نیازی نمی‌بیند درباره جزئیات و نحوه ترجمه و اصولی که از آن‌ها برای برگردان متون مختلف استفاده می‌کند سخنی بگوید. پس این وظیفه منتقد و تحلیل‌گر مسائل ترجمه است که راز و رمز نهفته در ترجمه او را برای دیگران آشکار سازد و اگر به نکته‌ای درخور اهمیت برخورد که مترجم نسبت به آن بی‌توجه و غافل بوده است، آن را نیز گوش‌زد کند.

صلح‌جو (۱۳۶۶) از دو مقوله در ترجمه سخن می‌گوید و آن‌ها را با عنوان ترجمه ارتباطی (communicative translation) و ترجمه معنایی (semantic translation) مطرح می‌کند.

پیش از هر چیز باید گفته شود که هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند به‌طور مطلق ارتباطی یا معنایی باشد؛ این پدیده صرفاً نسبی است و بسته به نوع متن و هدف ترجمه یکی از این دو قطب برجسته‌تر می‌شود. ترجمه ارتباطی بیش‌تر به گیرنده پیام توجه دارد تا به فرستنده آن؛ برعکس ترجمه معنایی نمی‌خواهد از دنیای فرستنده فاصله بگیرد. ترجمه ارتباطی به واردکردن ساخت‌های صوری و معنایی نامألوف از زبان مبدأ به زبان مقصد تمایلی نشان نمی‌دهد، اما ترجمه ارتباطی خواننده را مهم‌تر از نویسنده می‌انگارد، درحالی‌که ترجمه معنایی اولویت را به نویسنده می‌دهد. ترجمه ارتباطی آسان‌تر خواننده می‌شود، اما این خطر وجود دارد که چیزی که می‌خوانیم به‌طور کامل گفته نویسنده نباشد. برعکس، در ترجمه معنایی سعی بر این است که تمام الگوهای

ساختی و در نتیجه معنایی زبان مبدأ به زبان مقصد برگردد و گاه حتی بر آن تحمیل شود و طبیعی است که چنین ترجمه‌ای را به راحتی نمی‌توان خواند (همان: ۵۰-۵۱).

او در ادامه این‌گونه بیان می‌کند: «بسته به نوع ترجمه و این‌که آیا هدف انتقال معنی است یا انتقال نوع تأثیر، می‌توان یکی از دو روش معنایی یا ارتباطی را برگزید. برای مثال، در ترجمه متن فلسفی، معنی اهمیت بیش‌تری دارد تا تأثیر» (همان: ۵۲).

نقد و بررسی ترجمه می‌تواند به صورت ارزیابانه باشد یا غیرارزیابانه. برای مقاصد غیرارزیابانه، نقد در صورتی علمی است که مبنای نظری قابل دفاعی داشته باشد و استدلال‌های طرح شده در آن تا حد ممکن از برداشت‌های شخصی و سلیقه‌ای منتقد به دور باشد. این مبنای نظری است که می‌تواند معیارها، ضوابط، و استدلال‌های علمی برای نقد را در اختیار منتقد قرار دهد. نقد و بررسی یا ارزش‌یابی محصول ترجمه می‌تواند مقابله‌ای (comparative) یا غیرمقابله‌ای (non-comparative) باشد. در بررسی مقابله‌ای، متن مقصد در ارتباطش با متن مبدأ مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ اما در بررسی غیرمقابله‌ای، می‌توان تنها با اتکا به متن مقصد، به نقد و بررسی آن پرداخت. رویکردهای ارزیابانه غالباً از بررسی مقابله‌ای برای سنجش کیفی ترجمه استفاده می‌کنند و به ندرت سراغ روش‌های غیرمقابله‌ای می‌روند؛ اما رویکردهای غیرارزیابانه به نقد ترجمه می‌توانند محصول ترجمه را فارغ از متن مبدأ آن، در جامعه مقصد مورد تحلیل قرار دهند (پایگاه اطلاع‌رسانی شهر کتاب ۱۳۹۳).

در همین راستا در نقد صورت گرفته بر کتاب *بازنگری در مفهوم نابرابری* از روش مقابله‌ای بهره برده شده است، زیرا به‌باور نویسندگان این مقاله، در کتاب‌هایی که در حوزه‌های مرتبط با فلسفه نگاشته می‌شوند هر کلمه‌ای که توسط نویسنده کتاب به کار گرفته می‌شود دارای بار معنایی خاص خود است. لذا برای رعایت کردن اصول نقد ایجابی، نخست به بررسی بعضی اشکالات در ترجمه صورت پذیرفته و سپس به نقاط قوت آن پرداخته می‌شود.

۳. نقاط ضعف ترجمه صورت گرفته بر کتاب *بازنگری در مفهوم نابرابری*

این نقاط ضعف را می‌توان به دو مقوله ۱. اشکالات ظاهری هم‌چون عدم التزام به قواعد نگارشی کتاب اصلی، عدم ارجاع‌دهی‌های مناسب از جانب خود مترجم، و عدم سجاوندی مناسب و رعایت قواعد نگارشی؛ ۲. اشکالات محتوایی شامل ترجمه اشتباه جملات و معادل‌یابی نامناسب تقسیم‌بندی کرد.

۱,۳ اشکالات ظاهری

الف) عدم التزام به قواعد نگارشی کتاب اصلی. این موارد را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

- عدم رعایت پاراگراف‌بندی‌های متن اصلی: هر کتاب و مقاله‌ای استانداردهای خاص خودش را دارد. رعایت نکردن این استانداردها در ترجمه از اعتبار ترجمه صورت گرفته کم کرده و از روایی متن می‌کاهد. نمونه‌ای از این استانداردها پاراگراف‌ها هستند. براساس تعریف، یک پاراگراف مجموعه‌ای از جملات است که مربوط به یک موضع واحد هستند. براساس این تعریف هر پاراگراف موضوع مربوط به خودش را دارد و تمام جملات یک پاراگراف باید مرتبط با همان موضوع باشد.

در ترجمه صورت گرفته بر کتاب سن، در موارد بی‌شماری، مترجمان پاراگراف‌بندی کتاب اصلی را نادیده گرفته و به ادغام پاراگراف‌ها یا تقسیم کردن آن‌ها مبادرت ورزیده‌اند.

- عدم حفظ سبک نویسنده: نویسندگان همه مثل هم نیستند و سبک نگارش و زبان ایشان به تناسب خصوصیات روحی و فکری و اخلاقیشان با هم فرق می‌کند (قاضی ۱۳۷۲: ۳۱). برای مثال، در کتاب اصلی، مفاهیم مهم با استفاده از حروف کج (ایتالیک) بیان شده‌اند. این درحالی است که در متن ترجمه، این مفاهیم قابل تشخیص نیستند. نمونه‌هایی از این کلمات به شرح ذیل هستند:

- کلمات «دستیابی» و «آزادی» در صفحه ۴ ترجمه؛
- کلمات «کالاهای اولیه» و «بهزیستی» در صفحه ۲۲ ترجمه؛
- عبارت «فرصت حقیقی» در صفحه ۳۵ ترجمه؛
- کلمات «آزادی» و «امکانات آزادی» در صفحه ۳۹ ترجمه؛
- کلمات «کارکردها» و «قابلیت‌های حاصل‌شده» در صفحه ۴۴ ترجمه؛
- عبارت «فضای سنجشی» در صفحه ۴۴ ترجمه.

ب) عدم ارجاع‌دهی‌های مناسب از جانب خود مترجم:

باتوجه به آن‌که در زبان فارسی برای چندین واژه که در زبان‌های دیگر وجود دارد از یک واژه استفاده می‌شود، لازم است که مترجم اصل واژه‌ها را در پانویس ذکر کند تا برای خواننده مشخص گردد که منظور از واژه فارسی چه کلمه‌ای در انگلیسی است.

هم‌چنین در ترجمه اصطلاحات علمی و فنی باید زیر آن‌ها خط کشید (تا در حروف چینی درشت‌تر چیده شود) و معادل خارجی آن در حاشیه صفحه بیاید و در صورت لزوم در همان حاشیه آن اصطلاح تعریف گردد. این روش تنها در مرتبه اول ضرورت دارد، در صورت تکرار یک اصطلاح در بقیه متن تنها به ذکر معادل فارسی آن اکتفا خواهد شد (وزین پور ۱۳۸۸: ۳۰۱). نمونه‌ای از این عدم ارجاع‌دهی‌ها در متن ترجمه به شرح ذیل هستند:

در صفحه ۲۱ ترجمه، برای ایجاد تمایز بین افراد نیازمند با افراد مستحق بهتر است کلماتی که سن به ترتیب با عنوان «needy» با «worthy» بیان کرده در پانویس آورده شوند. در صفحه ۲۶ ترجمه، با توجه به آن که «liberty» با «freedoms» از منظر سن متفاوت است و هر دو آن‌ها در زبان فارسی به معنای آزادی هستند، بایستی برای عنوان «برابری در مقابل آزادی» در پانویس قید شود که منظور در این جا liberty است. در صفحه ۲۶ ترجمه، بایستی در خصوص عنوان «ثروت و آزادی» در پانویس مشخص گردد که منظور سن در این جا «freedoms» است.

ج) سجاوندی و رعایت قواعد نگارشی:

درست‌بودن هر نوشته‌ای منوط به این است که در آن اصول و قواعد و دستور زبان رعایت شده باشد در غیر این صورت آن نوشته غلط و از دید ادبی فاقد ارزش خواهد بود (قاضی ۱۳۷۲: ۳۳). در همین رابطه، ترجمه صورت گرفته از کتاب سن، هر چند که از لحاظ قواعد نگارشی و کاربست نشانه‌های سجاوندی از وضعیت مناسبی برخوردار است، با وجود این، مشخص نبودن نقل قول‌های صورت گرفته در کتاب مبدأ در ترجمه کتاب از مهم‌ترین نقاط ضعف آن از این منظر است؛ این امر به قابل تمییز نبودن نقل قول‌ها از باقی متن منجر می‌گردد. لذا عبارت مربوطه بایستی داخل گیومه یا نشانه قول قرار گیرد. نمونه‌هایی از این نقل قول‌ها که در ترجمه کتاب در نشانه قول قرار نگرفته‌اند به شرح زیر هستند:

در صفحه ۴۷ ترجمه، نقل قولی از «چارلز بیتز»: «ایراد نظری عمده موجود ورزش بسکتبال کاملاً متفاوت است».

در صفحه ۷۰ ترجمه، نقل قولی از «ویلیام باتلر بیتس»: «عقل انسان حکم می‌کند که در کار یا زندگی، بهترین را برای خود انتخاب کند».

در صفحه ۷۷ ترجمه، نقل قولی از «جان رالز»: «۱. هر فرد در برخورداری از ...؛ ۲. نابرابری اجتماعی و اقتصادی باید ... حداکثر استفاده را از آن ببرند».

در صفحه ۱۲۱ ترجمه، نقل قولی از «مارکس»: «اما کسی که از نظر جسمانی و ذهنی نسبت به دیگران برتری دارد و ... باین حال این حق برابر یک «حق نابرابر» برای «کار نابرابر» است».

۲,۳ اشکالات محتوایی

الف) ترجمه اشتباه جملات.

معروف (۱۳۸۶) به نقل از جاحظ می گوید:

مترجم باید در آنچه که ترجمه می کند توانا باشد و خود صاحب همان دانشی باشد که مؤلف دارد؛ بدین معنا که در زبان مبدأ و مقصد تبحر داشته باشد، به قسمی که هر دو زبان را به یک اندازه و آن هم به غایت بداند. هرچه علمی دشوار و دانایان به آن اندک باشند به همان اندازه کار بر مترجم آن علم مشکل تر می گردد.

در همین رابطه، درخصوص کتاب بازنگری در مفهوم نابرابری می توان به این مهم اشاره کرد که این ترجمه از کتاب سن از اشتباهات بسیاری در ترجمه جملات یا عبارات ها رنج می برد؛ این اشتباهات در موارد متعددی منتج به آن می گردد که ترجمه منظوری خلاف آنچه مورد نظر نویسنده کتاب است را برساند. نمونه ای از این اشتباهات به شرح ذیل هستند:

در صفحه ۲۰ ترجمه، عبارت:

but the real question is what Is the nature of the objective function it maximize.

به صورت «اما سؤال اصلی، ماهیت کارکرد بی طرفانه ای است که این رویکرد آن را به حداکثر می رساند». ترجمه شده است که منظور سن «ماهیت تابع هدف» است.

در صفحه ۲۲ ترجمه، عبارت:

no matter how hallowed by tradition

به اشتباه «صرف نظر از این که این فضا در اثر رسم و سنت تهی و چوچ شده باشد» ترجمه شده است. منظور سن «فضاهایی است که در یک سنت مورد احترام و تأکید هستند» است.

در صفحه ۲۳ ترجمه عبارت:

A theory may accept -indeed demand- inequality in terms of many variables

به غلط، «امکان دارد یک نظریه، برابری را در چهارچوب معیارهای فراوانی بپذیرد» ترجمه شده که «نابرابری» در این جا صحیح است.

در صفحه ۳۱ ترجمه، عبارت:

For example, consider the approach to constructing Inequality indices based on social loss of equivalent income pioneered by Atkinson.

به صورت «مثلاً، رویکرد طرح و ایجاد شاخص های نابرابری مبتنی بر فقدان درآمدهای یکسان را که نخستین بار از سوی اتکینسون ارائه شد، در نظر بگیرید» ترجمه شده است. این درحالی است که ترجمه صحیح شاخص اتکینسون «شاخص نابرابری مبتنی بر ضررهای اجتماعی حاصله از درآمدهای برابر» است.

در صفحه ۳۵ ترجمه، عبارت:

freedom with the real opportunity that we have to accomplish what we value.

به «آزادی نیز در برگیرنده فرصت حقیقی است که ما برای تحقق آنچه ارزشمند است، در بر داریم». ترجمه شده که در اینجا «تحقق آنچه که ما برای آن ارزش قائل هستیم» درست است (زیرا ممکن است امری از منظر ما ارزش مند نباشد).

در صفحه ۴۰ ترجمه، عبارت:

If we are interested in the freedom of choice, then we have to look at the *choices* that the person does in fact have.

به «در صورت علاقمند بودن به آزادی انتخاب، ضروری است که به گزینه ها و انتخاب هایی پردازیم که فرد حقیقتاً انجام داده است» ترجمه شده است که صحیح آن «انتخاب هایی است که در حقیقت فرد دارد (یا از آن برخوردار است)».

در صفحه ۴۴ ترجمه، عبارت:

It is also possible to use the notion of 'rightness' as opposed to 'goodness' of the society to argue for the same substantive arrangements.

به «همچنین می توان از مفهوم "درست بودن" در مقابل "خوب بودن" جامعه ...» ترجمه شده است. در این جا منظور سن طرح موضوع «حق» ازدیدگاه جان رالز است و نه «درست بودن». این ایراد در صفحه ۴۵ نیز مشاهده می شود.

در صفحه ۴۶ ترجمه، عبارت:

but answering question (۱), on the identification of the objects of value does not, on its own, yield a particular answer to question (۲), regarding their relative values.

به «اما با توجه به ارزش‌های مربوط به هر یک از دو سؤال مطرح شده، نمی‌توان گفت که پاسخ دادن به سؤال اول بر مبنای تعیین اهداف ارزشی به تنهایی پاسخ مناسبی برای سؤال دوم ارائه نمی‌دهد» ترجمه شده که اشتباه است و «می‌توان گفت» صحیح است. در صفحه ۴۶ ترجمه، عبارت:

But the selection of space can also have a good deal of discriminating power, both because of what it *includes* as potentially valuable and because of what it *excludes* from the list of objects to be weighted as intrinsically important.

به «اما انتخاب فضا می‌تواند از قدرت تمایز فراوانی برخوردار باشد، چون آنچه را که این انتخاب فضا شامل می‌شود بطور بالقوه ارزشمند است و همچنین آنچه را که این انتخاب فضا از فهرست اهداف ارزشی حذف می‌کند، اهمیت ذاتی دارد». ترجمه شده است. در این مورد، ترجمه جمله آخر اشتباه است، زیرا منظور نویسنده «قدرت تمایزی است که انتخاب فضا، به واسطهٔ دخیل نمودن موارد بالقوه ارزشمند از یک سو و خارج کردن بعضی موارد از فهرست اهداف دارای اهمیت ذاتی از سوی دیگر، ایجاد می‌کند» است. در صفحه ۴۸ ترجمه، عبارت:

The capability approach begins with identifying a relevant space for evaluation, rather than arguing that everything that can be put into the format of that space must, for that reason, be important-not to mention, equally significant.

به «رویکرد قابلیت با تعیین فضایی مرتبط برای ارزیابی آغاز می‌شود نه با این مبحث که هر آنچه در قالب این فضا قرار می‌گیرد باید اهمیت داشته باشد. در این رویکرد به اهمیت برابری هیچ اشاره‌ای نمی‌شود». ترجمه شده است. این در حالی است که در رویکرد سن، برعکس به برابری اهمیت بسیار داده می‌شود، ولی در این عبارت منظور سن آن است که در رویکرد قابلیت هر آنچه در داخل فضا قرار می‌گیرد (قابلیت‌ها) مهم هستند، اما در این خصوص که آن‌ها هر یک اهمیتی یکسان یا برابر دارند صحبتی به میان نمی‌آید. زیرا در رویکرد سن، موضوع وزن‌دهی به قابلیت‌ها مطرح است. در صفحه ۵۱ ترجمه، عبارت:

Indeed, if freedom had only *instrumental* importance for a person's well-being and no intrinsic relevance, then it would be appropriate-in the evaluation of well-being-to identify the value of the capability set simply with the value of the *chosen* functioning combination.

به صورت «درحقیقت، اگر آزادی برای بهزیستی یک فرد فقط دارای اهمیت ابزاری است و هیچ‌گونه موضوعیت ذاتی با آن ندارد، دراین صورت برای ارزیابی بهزیستی مناسب است که ارزش ترکیب کارکردهای منتخب را باتوجه به ارزش مجموعه قابلیت‌ها تعیین کنیم». ترجمه شده است که خلاف منظور سن را می‌رساند و صحیح آن «مناسب است که ارزش مجموعه قابلیت‌ها را باتوجه به ارزش ترکیب کارکردهای منتخب تعیین کنیم». صحیح است.

در صفحه ۵۲ ترجمه عبارت:

Even the removal of all elements of a feasible set (e.g. a 'budget set') *other than* the chosen best element would be seen as 'no real disadvantage', since the freedom to choose does not, in this view, in itself matter.

به «حتی حذف تمام عناصر عملی (مانند مجموعه بودجه) نیز بیش از مجموع عناصر انتخاب شده، «مزیت غیرواقعی» تلقی می‌شود، چون دراین خصوص آزادی انتخاب، عملاً مهم نیست». ترجمه شده است که صحیح آن «عدم مزیتی واقعی محسوب نمی‌شود» است.

در صفحه ۵۲ ترجمه عبارت:

and 'doing x ' is distinguished from 'choosing to do x and doing it'.

به صورت «و انجام کار x با انتخاب x و انجام آن کاملاً متفاوت است» ترجمه شده است که اشتباه است و منظور تمایز بین انجام کار x با انتخاب و انجام همان کار x است.

در صفحه ۵۹ ترجمه عبارت:

A person's agency achievement refers to the realization of goals and values she has reasons to pursue.

به «منظور از پیشرفت کارکرد هر شخص، درک و برداشت صحیح از اهداف و ارزش‌هایی است که او دنبال می‌کند» ترجمه شده است که اشتباه است و سن در این جا درخصوص «تحقق عاملیت» سخن به میان آورده است.

در صفحه ۵۹ ترجمه عبارت:

A person as an agent need not be guided only by her own well-being.

به «هر شخص به‌عنوان یک عامل اصولاً باید در جهت ... گام بردارد» ترجمه شده است که «اصولاً تنها نباید» صحیح است.

در صفحه ۶۰ ترجمه، عبارت:

The former refers to the realization of one's objectives, regardless of one's own role in bringing about that realization. The latter, in contrast, is a more specific notion of agency success, concentrating on one's success specifically *as* an agent.

به صورت «به هر حال بد نیست بدانیم "جنبه بهزیستی" به معنای درک و تحقق اهداف فرد، صرف نظر از نقشی است که خود او در تحقق این اهداف دارد. در مقابل "جنبه عاملیت" در واقع برداشت و مفهوم خاصی از پیشرفت عاملیت است که در آن، موفقیت فرد به عنوان یک عامل، مورد تأکید و توجه بیش‌تری است» ترجمه شده، که اشتباه است. اولاً، ذکر «جنبه بهزیستی» و «جنبه عاملیت» غلط است به این علت که سن در این جملات به طرح دو دیدگاه مختلف در خصوص «جنبه عاملیت» می‌پردازد که در ادامه دیدگاه اول را «توفیق در عاملیت ابزاری» (instrumental agency success) و دیدگاه دوم را «توفیق در عاملیت تحقق‌یافته» (realized agency success) می‌نامد. ثانیاً به کاربرد عبارت «پیشرفت عاملیت» نیز درست نیست، زیرا در این جا منظور «توفیق در عاملیت» است.

در صفحه ۶۰ ترجمه، عبارت:

if my agency objectives include the independence of my country, or the elimination of famines, the first view of agency achievement would be well met if the country *does* become independent, or if famines *are* in fact eliminated, irrespective of the part I personally manage to play in bringing about that achievement.

به صورت «به هر حال اگر آنچه از نظر ما در قالب اهداف عاملیت جای می‌گیرد، شامل مواردی نظیر استقلال کشور یا از بین بردن فقر و گرسنگی باشد، طبعاً به استقلال رسیدن کشور یا ریشه‌کن شدن فقر و گرسنگی، اولین جنبه از پیشرفت عاملیت محقق شده است و این که تلاش ما چه نقشی در تحقق این اهداف داشته است، در روند این تحقق اهمیت چندانی ندارد» ترجمه شده است که اشتباه است و سن در این جا در خصوص «تحقق نخستین دیدگاه مطرح در خصوص توفیق در عاملیت»، صحبت به میان آورده است و نه پیشرفت عاملیت.

در صفحه ۶۱ ترجمه، عبارت:

i.e. whether what we value is the achievement irrespective of the instrumental process, ...

به صورت «به عبارت دیگر، به این بستگی دارد که تحقق و پیشرفت اهداف، صرف‌نظر از پیشرفت ابزاری آنها، برای ما ارزش‌مند است و ...» ترجمه شده که «فرایند ابزاری» صحیح است.

در صفحه ۶۱ ترجمه، عبارت:

e.g. by distinguishing between 'the occurrence of A' and 'the occurrence of A through our own efforts', it is formally possible to embed the particular feature of 'instrumental agency success' within the general format of 'realized agency success'.

به صورت «مثلاً وقوع و بروز A' و رسیدن به A را بر حسب اقدام و تلاش خودمان ترسیم می‌کنیم ...» ترجمه شده که اشتباه است و در این جا منظور سن ایجاد تمایز بین «تحقق A» و «تحقق A به واسطه تلاش خود ما» است.

در صفحه ۶۲ ترجمه، عبارت:

There would be nothing contrary in the fact that an enhancement of *agency freedom* (i.e. an increase in one's ability to promote goals that one has reasons to promote) can lead to a reduction of *well-being freedom* (and correspondingly to a decline in *achieved well-being*).

به صورت «بی‌شک افزایش آزادی عاملیت، (مثلاً بیش‌تر شدن توان و استعداد یک فرد در ترسیم و تعیین اهداف مورد نظر) ممکن است باعث ...» ترجمه شده است. که بایستی «به اهدافی که فرد برای پیش‌برد و نیل آن‌ها دارای دلیل است» تغییر یابد. شایان ذکر است که در نظریه سن، «دلیل داشتن برای اهداف و ارزش‌ها از جانب انسان‌ها» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این امر بایستی به‌طور قطع در ترجمه لحاظ گردد.

در صفحه ۶۶ کتاب ترجمه، عبارت:

Many freedoms take the form of our ability to get what we value and want, without the levers of control being *directly* operated by us.

به «در بسیاری موارد، توانایی ما برای رسیدن به چیزی که برایمان مهم است و خواهان آن هستیم به‌تنهایی و بدون آن‌که از اهرم کنترل استفاده کنیم، شکل‌های مختلفی از آزادی ما محسوب می‌شود». ترجمه شده که اشتباه است. ترجمه صحیح این عبارت «بدون آن‌که اهرم‌های کنترل مستقیماً در اختیار ما باشد» است. سن در این جا این منظور را می‌خواهد برساند که باوجود آن‌که کنترل بسیاری از مسائل مستقیماً در اختیار مردم نیست و در دست

نقدی بر ترجمه کتاب بازنگری در مفهوم نابرابری آمارتیا سن ۱۵۱

افراد دیگری است، با این اوصاف بنا به دلایلی که در ادامه متن ذکر می‌کند خود همین امر گونه‌ای از آزادی محسوب می‌شود.

در صفحه ۶۶ کتاب ترجمه، عبارت:

The controls are exercised in line with what we value and want.

به «اهرم‌های کنترل در راستای رسیدن به آنچه می‌خواهیم و برایمان مهم است به‌کار گرفته می‌شود». ترجمه می‌شود که اشتباه است و صحیح آن عبارت است از: «اهرم‌های کنترلی که در اختیار افراد دیگری غیر از ما است، در راستای آنچه ما برای آن ارزش قائل هستیم و می‌خواهیم، به‌کار گرفته می‌شوند».

در صفحه ۶۶ کتاب ترجمه، عبارت:

To confuse freedom with control can drastically reduce the scope and force of that great idea.

به «کنترل آزادی با ایجاد ابهام در آن می‌تواند ابعاد آزادی را بسیار محدود کند و ...» که اشتباه است و «التقاط یک‌سان گرفتن آزادی با داشتن کنترل ...» صحیح است.

در صفحه ۶۷ کتاب ترجمه، عبارت:

A public policy that eliminates epidemics is enhancing our freedom to lead the life-unbattered by epidemics-that we would choose to lead.

به‌صورت «یکی از سیاست‌های عمومی برای پیش‌گیری و جلوگیری از شیوع و همه‌گیری بیماری‌ها، افزایش و بالابردن آزادی افراد در ادامه و پیش‌برد زندگی سالمی — بدون همه‌گیری و شیوع بیماری است که خود انتخاب کرده‌اند» ترجمه شده که ترجمه‌ای گویا نیست و ترجمه صحیح آن عبارت است از: «خط مشی عمومی که بیماری‌های اپیدمیک را از بین می‌برد، آزادی ما را افزایش می‌دهد تا آن زندگی را که می‌خواهیم در پیش بگیریم».

در صفحه ۶۸ کتاب ترجمه، عبارت:

Not having malaria, or not being hungry, does add to one's well-being ...

به «عاری بودن و مصونیت از مالاریا و گرسنه‌نبودن، بهزیستی افراد را زیادتر نمی‌کند ...» ترجمه شده که اشتباه است و «زیادتر می‌کند» صحیح است.

ب) معادل‌یابی نامناسب.

یافتن برابر و معادل، برای لغات و اصطلاحات و تعبیرات از مراحل دشوار ترجمه است؛ مترجم هرچه ادیب‌تر و پرمطالعه‌تر باشد، به‌لحاظ وسعت دایره معلوماتش بهتر و

دقیق‌تر می‌تواند معادل‌یابی کند. گاهی در متن، کلمه‌ای به‌کار رفته است که با مراجعه به لغت می‌بینیم به چندین معناست در این خصوص از میان معادل‌های نزدیک به هم آنچه را دقیق‌تر، نزدیک‌تر، و مصطلح‌تر است باید برگزید. در همین راستا نمونه‌ای از واژه‌گزینی‌های نامناسب در ترجمه صورت گرفته به شرح ذیل هستند.

در صفحه ۹ ترجمه، عبارت «The powerful rhetoric of 'equality of man'» «عبارت پرمعنای برابری انسان‌ها» ترجمه شده که منظور سن «لفاظی‌های تحت عنوان برابری انسان‌ها» است. این درحالی است که در صفحه ۳۲ ترجمه «rhetoric» به‌درستی پرطمطراق ترجمه شده است.

در صفحه ۱۱ ترجمه، کلمه «achievement» «دستیابی» معنا شده، درحالی که «دست‌آورد» معادل مناسب‌تری است.

در صفحه ۳۰ ترجمه، «rankings» به «درجه‌بندی» ترجمه شده که «رتبه‌دهی» صحیح است.

در صفحه ۳۵ ترجمه، واژه «opulence» «ثروت» ترجمه شده که اشتباه است، زیرا به‌معنای توان‌گری و وفور است و ثروت که از کلمه «wealth» می‌آید بخشی از توان‌گری است.

در صفحه ۳۶، عبارت «preference-fulfilment» به «ترجیح — تحقق» ترجمه شده که عبارت «تحقق ترجیحات» مناسب‌تر است.

در صفحه ۳۹ ترجمه، عبارت «the means to freedom» به «امکانات آزادی» ترجمه شده که معادل بهتر «ابزار نیل به آزادی» است.

در صفحه ۴۷ ترجمه، عبارت «developing economies» به «اقتصادهای درحال رشد» ترجمه شده که صحیح آن «اقتصادهای درحال توسعه» است.

در صفحه ۴۸ ترجمه، عبارت «dominance partial order» به «نظم برتری نسبی» ترجمه شده که منظور سن در این جا «چیدمان (ترتیب) نسبی الویت» درخصوص اهداف است.

در صفحه ۶۶ ترجمه، عبارت «counterfactual choices» به «تصمیمات غیرواقعی» ترجمه شده، که منظور سن از این عبارت «تصمیماتی نیابتی هستند که دیگران به‌جای ما می‌گیرند، ولی اگر خود ما هم بودیم همان تصمیمات را می‌گرفتیم».

در صفحه ۶۶، ترجمه عبارت «realized agency success» به «موفقیت عاملیت واقعی» ترجمه شده که بهتر است به‌جای آن عبارت «موفقیت عاملیت محقق‌شده» جای‌گزین گردد.

۴. نقاط مثبت ترجمه صورت گرفته بر کتاب بازنگری در مفهوم نابرابری

۱،۴

ترجمه اسم کتاب از مشکل ترین و حساس ترین مراحل ترجمه محسوب می شود و باید مترجم با دقت و وسواس خاص این مقوله را رعایت کند. عنوان اثر در مقام چکیده آن اگر غلط باشد، می تواند برداشت نادرستی از تمامی متن به مخاطب ارائه دهد (حدادی ۱۳۷۵: ۹۰).

درخصوص ترجمه کتاب سن نیز می توان انتخاب عنوان «بازنگری در مفهوم نابرابری» را عنوان مناسبی به فارسی برای کتاب دانست.

۲،۴ فهم موضوع ترجمه

مترجم باید اطلاعات زیادی در زمینه موضوع ترجمه داشته باشد، تصور اشتباهی که وجود دارد این است که مترجم باید هر متنی را ترجمه کند در صورتی که این طور نیست مترجم می تواند در یک یا چند موضوع به مقدار تلاشی که کرده است به ترجمه بپردازد (شمس آبادی ۱۳۸۱: ۶۱). صرف دانستن یک زبان نباید سبب شود که در هر موضوعی انسان دست به ترجمه بزند. رشته ها و علوم مختلف، گاهی از مباحث، موضوعات و اصطلاحات خاصی برخوردار است که اگر مترجم با آن موضوع آشنا نباشد، به خوبی از عهده ترجمه بر نمی آید (محدثی ۲۰۰۵؛ مجیدی و قشلاقی ۱۳۹۱).

در همین رابطه، درخصوص کتاب بازنگری در مفهوم نابرابری نیز می توان گفت که فارغ از اشکالات محتوایی که در ترجمه متن وجود دارد، مترجمان در زمینه موضوع از اطلاعات مناسبی برخوردار بوده اند.

۵. نتیجه گیری

بروز خطا در ترجمه امری اجتناب ناپذیر است. از همین رو، نقد بر ترجمه را می توان ارائه بازخوردی بر کار مترجم دانست تا به ارتقای کیفی کارش در آینده منجر گردد. لذا گریزی از نقد نیست، زیرا راه لطیف تری برای برداشتن موانع رشد در یک حوزه معین فعالیت پیش رو نیست. بدون نقد رشد تحقق نمی یابد.

با این رویکرد، در این مقاله ترجمه فارسی صورت گرفته بر کتاب آمارتیا سن با عنوان «بازنگری در مفهوم نابرابری» مورد نقد قرار گرفت. براساس این نقد، علی‌رغم وجود نقاط قوت در ترجمه، هم‌چون ترجمه مناسب عنوان کتاب و اشراف خوب مترجمان به موضوع، به دلیل وجود اشتباهات ظاهری و محتوایی متعدد، در موارد قابل ملاحظه‌ای جملات ترجمه شده منظوری غیر از آنچه مقصود آمارتیا سن بوده را می‌رسانند. بنابراین، در این ترجمه نه کارکرد انتقال معنی به درستی انجام شده و نه کارکرد نوع تأثیر متن.

کتاب‌نامه

- انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۴)، «تبادل واژگانی در ترجمه متون دینی: چالش‌ها و راه‌کارها»، فصل‌نامه پژوهش زبان‌های خارجی، ش ۲۸.
- پایگاه اطلاع‌رسانی شهر کتاب (۱۵ دی ۱۳۹۳)، «دیروز و امروز نقد ترجمه»: <<http://bookcity.org>>.
- تقیه، محمدحسن (۱۳۸۴)، «نقد ترجمه چیست؟»، نشریه مطالعات ترجمه، س ۳، ش ۱۱.
- حدادی، محمود (۱۳۷۵)، مبانی ترجمه، تهران: جمال الحق.
- خزاعی فر، علی (۱۳۹۴)، «نقد نقد ترجمه»، فصل‌نامه علمی-فرهنگی مترجم، س ۲۴، ش ۵۶.
- رالز، جان (۱۹۹۹)، نظریه‌ای درباب عدالت، ترجمه مرتضی نوری، تهران: مرکز.
- سن، آمارتیا (۱۹۹۲)، بازنگری در مفهوم نابرابری، ترجمه پرویز قاسمی و آزیتا گل‌زاده قشلاق‌چایی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران.
- صفازاده، طاهره (۱۳۸۴)، اصول و مبانی ترجمه، تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد علمی آثار مترجمان، تهران: پارس کتاب.
- صلح‌جو، علی (۱۳۶۶)، «بحثی در مبانی ترجمه»، در: برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۳) درباره ترجمه، تهران: دانشگاهی.
- قاضی، محمد (۱۳۷۲)، «ویژگی‌های ترجمه خوب»، فصل‌نامه مترجم، س ۳، ش ۹، بهار.
- کمالی، محمدجواد (۱۳۹۵)، اصول فن ترجمه، تهران: سمت.
- کامبیززاده، محمود (۱۳۸۸)، مقالاتی چند درمورد ترجمه شفاهی و دوزبانگی، تهران: رهنما.
- مجیدی، حسن و مدینه قشلاقی (۱۳۹۱)، «بررسی اصول زبانی واژگانی و محتوایی ترجمه کتاب»، دوفصل‌نامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، س ۲، ش ۵.
- معروف، یحیی (۱۳۸۱)، فن ترجمه اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی، تهران: سمت.
- وزین‌پور، نادر (۱۳۸۱)، برسمند سخن، تهران: فروغی.